

بسیار متشکر



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایداری از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عدالم محضر خداست و به توره ناظر بر اعدال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعلیای فرهنگ و تمدن بشری، عاداتشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی در نظر قرار داده و از آن تخلفی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شدت های غیر علمی می

آلایند



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب مهدی گل‌مهر دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق عمومی که در تاریخ

۱۳۹۴/۶/۲۴ از پایان نامه خود تحت عنوان "نگاهی انتقادی به مفهوم و ماهیت

و هدف تفکیک قوا در پرتو فقه سیاسی شیعه" با کسب نمره دفاع نموده ام

بدینوسیله متعهد می شوم:

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از

دستاورد‌های علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده

ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست

مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر

دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب،

ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای

مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم

و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات

رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: مهدی گل‌مهر

تاریخ و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته حقوق عمومی

عنوان:

نگاهی انتقادی به مفهوم و ماهیت و هدف تفکیک قوا

در پرتو فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

دکتر محمد علی فریدونی خانمینی

نگارش:

مهدی گلمهر

تابستان ۹۴



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو: مهدی گلمهر در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۴

رشته : حقوق عمومی

از پایان نامه خود با عنوان : نگاهی انتقادی به مفهوم و ماهیت و هدف تفکیک قوا در پرتو فقه

سیاسی شیعه

با درجه و نمره دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داورى
داورى

سمت امضاء اعضای هیات

۱ - دکتر محمد علی فریدونی استاد راهنما

۲ - دکتر ایمان غلام نژاد استاد داور

۳ - دکتر بابک باصرى استاد داور

مدیر / معاونت پژوهشی مراتب فوق مورد تایید است.

مهر و امضاء

سپاسگزاری:

بر خود واجب می دانم که از زحمات بی دریغ استاد کرامی محمد علی فریدونی در طول انجام پایان نامه تشکر و قدردانی نمایم

تقدیم به:

خانواده عزیزم

فهرست

صفحه	عنوان
۱	چکیده:.....
۲	مقدمه:.....
۵	بیان مسئله:.....
۷	اهمیت و ضرورت تحقیق:.....
۷	اهداف تحقیق:.....
۷	سؤالات و فرضیات تحقیق:.....
۸	پیشینه تحقیق:.....
۱۰	روش تحقیق:.....
۱۱	ساختار تحقیق:.....
بخش اول: کلیات و مفاهیم	
۱۳	فصل اول: تفکیک قوا.....
۱۳	مبحث اول: مفهوم تفکیک قوا.....
۱۴	گفتار اول: ماهیت و هدف تفکیک قوا.....
۱۶	گفتار دوم: پیشینه تاریخی.....
۲۰	گفتار سوم: انواع تفکیک قوا.....
۲۰	الف) تفکیک کامل قوا.....
۲۱	ب) تفکیک نسبی قوا.....
۲۳	گفتار چهارم: نظریات مختلف در مورد تفکیک قوا.....
۲۳	الف: توماس هابز.....
۲۴	ب: نیکولا برناردو ماکیاولی.....
۲۷	ج: جان لاک.....
۳۰	د: شارل دو منتسکیو:.....

گفتار پنجم: نقد نظریات مربوط به تفکیک قوا	۳۴
الف: توماس هابز	۳۴
ب: ماکیاولی	۳۷
ج: جان لاک	۳۷
د: منتسکیو	۳۹
فصل دوم: فقه سیاسی شیعه	
مبحث اول: تعریف فقه سیاسی شیعه	۴۲
گفتار اول: مفهوم اقتدار به عنوان مرز شناسایی فقه سیاسی با فلسفه سیاسی غرب	۴۲
الف: اقتدار کاریزماتیک	۴۲
ب: اقتدار سنتی	۴۳
ج: اقتدار حقوقی - عقلانی	۴۴
د: دیدگاه هانا آرننت	۴۴
گفتار دوم: تاریخچه	۴۹
گفتار سوم: ماهیت فقه سیاسی شیعه	۵۰
۱- مشروعیت حکومت در عصر حضور	۵۱
۲- مشروعیت حکومت در عصر غیبت	۵۲
۳- مشروعیت حکومت در عصر غیبت از دیدگاه آخوند خراسانی	۵۴
۴- نظرات مخالفین	۵۶
گفتار سوم: تأسیس فقه سیاسی شیعه	۶۰
۱: تحولات مربوط به نقاط عطف تاریخی	۶۰
۲: تاریخچه فقه سیاسی شیعه	۶۴
مبحث دوم: قدرت و حاکمیت در فقه سیاسی شیعه	۶۸
گفتار اول: قدرت و دیدگاه نظری حاکمیت در فقه سیاسی شیعه	۷۰
گفتار دوم: اعتبار آرای عمومی در فقه شیعه در تعیین حاکم	۷۲

گفتار سوم: حاکمیت در فقه سیاسی شیعه	۷۳
۱- حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران	۷۵
۲- فقه سیاسی شیعه در پرتو حاکمیت	۷۸
گفتار چهارم: ظرفیتها و چالش های فقه سیاسی پس از انقلاب	۷۹
بخش دوم: تفکیک قوا در پرتو فقه شیعه	
فصل سوم: تحلیل مبانی تفکیک قوا بر مبنای فقه شیعه	۸۳
مبحث اول: انسان و جایگاه انسان از دیدگاه غرب و اسلام	۸۳
گفتار اول: انسان و جایگاه انسان از دیدگاه اسلام	۸۳
گفتار دوم: از دیدگاه غرب	۹۱
گفتار سوم: ارتباط انسان شناسی در تفکیک قوا و فقه سیاسی شیعه	۹۹
گفتار چهارم: قدرت تحریف شده و انسان شناسی مادی گرایانه؛ خشت	۱۰۰
مبحث دوم: محورهای اساسی در بینش اسلامی	۱۰۵
گفتار اول: قانونگذاری و اجرا و قضا در زمان پیامبر	۱۰۵
گفتار دوم: تفکیک قوا از نظر شیعه بعد از پیامبر	۱۰۶
گفتار سوم: تفکیک قوا در ادبیات سیاسی جدید اسلامی	۱۰۷
گفتار چهارم: دیدگاه کلامی و فقهی شیعه در باره نظریه تفکیک قوا	۱۰۷
۱- نظر محمدحسین نائینی در باره نظریه تفکیک قوا	۱۰۷
فصل چهارم: تحلیل اهداف تفکیک قوا بر مبنای فقه شیعه	۱۱۰
مبحث اول: خطای تاریخی در مدل سازی نظریه تفکیک قوا	۱۱۰
گفتار اول: ناکارآمدی تفکیک قوا در نفی استبداد	۱۱۲
گفتار دوم: دلایل تفکیک قوا در فقه سیاسی شیعه	۱۱۶
مبحث دوم: حاکمیت قانون و تفکیک قوا	۱۱۷
گفتار اول: فلسفه سیاسی بر محور مردم	۱۱۸
گفتار دوم: ولی فقیه و حکومت مدرن	۱۱۸

نتیجه گیری: ۱۲۱

منابع و مراجع: ۱۲۴

چکیده:

اکثر حکومت‌های دنیا تفکیک قوا را پذیرفته اند و آن را روشی برای جلوگیری از فساد و سوء استفاده از قدرت می دانند. در نظام جمهوری اسلامی هم این مسئله مورد قبول واقع شده است. عده ای از علمای اسلامی در تلاش بوده اند تا این اصل را اصلی اسلامی جلوه داده و آن را در اسلام مسبوق به سابقه بدانند، اما با توجه به بسترهای طرح این نظریه و نحوه تکامل آن می توان آن را یک نظریه اعتباری و بشری دانست که به منظور جلوگیری از تجمیع قوا و با هدف توزیع قدرت پیشنهاد شده است و البته پس از طرح و ارائه مورد توجه برخی از علمای اسلامی قرار گرفته و در نهضت مشروطه مورد امان نظر بوده و در قانون اساسی مشروطه نیز گنجانده شده است. از طرفی انسان شناسی اسلامی و نظریه ابتدای قدرت در حاکمیت اسلامی بر مبنای انسان کامل در اینجا نیز محور اصلی و محتوای عمده سیستم حاکمیتی کشور ما می باشد. بدین ترتیب و با این تحلیل تطبیقی به خوبی می توان موضوع انسان شناسی، دین گریزی و دین گرایی و بومی سازی نظریات حاکمیتی و حکومتی، از جمله اصل تفکیک قوا را به فراخور احوالات مذهبی اعتقادی، فرهنگی و حتی اقتصادی و اجتماعی جوامع مورد مشاهده و بررسی قرار داد و خود را از تقلید بی چون و چرا نسبت به یقین های زمان که در واقع بیش از آن که حقیقت باشند، در واقع اعتباریات و متغیرات ناشی از دیدگاه های خاص حاکم بر جهان هستند رهانیده و به الگویی متناسب رسید تا زمینه حرکت پویا و رو به جلوی در مباحث عمیق حقوق عمومی هرچه بیشتر فراهم شود. در این پژوهش یا هدف تحلیل مفهوم، ماهیت و هدف تفکیک قوا در حقوق مدرن و تطبیق آن با فقه سیاسی شیعه و تحلیل نظریات تفکیک قوا در فقه سیاسی شیعه در جوامع امروزی و قابلیت اجرایی آن بر آن بودیم تا تفکیک قوا در پرتو فقه سیاسی را مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه: تفکیک قوا، فقه سیاسی، قدرت، حاکمیت

تفکیک قوا از جمله نظریات مشهوری است که در حوزه اندیشه سیاسی، مورد پردازش قرار گرفته است. ایده اولیه ثلاثی (سه گانه) فهم نمودن قدرت به دوران یونان، باستان و اندیشه های صاحب نظران این دوره، منتسب می‌گردد.^۱ به اعتقاد ارسطو هر حکومت، دارای سه قدرت است و حاکم خردمند باید حدود هر یک از این سه قدرت را باز شناسد^۲ جان لاک اولین متفکری است که نظریه تفکیک قوا را بنا بر برداشت رایج آن و نه یک تقسیم وظیفه ساده، طرح و تحلیل نموده است.

از طرفی در تعریف فقه حکومتی یا فقه سیاسی می‌توان گفت که شاخه‌ای از فقه است که به بررسی مسائل حاکمیت، حکومت، روابط حکومت با امت و روابط حکومت با سایر حکومت‌ها می‌پردازد.^۳

یکی از مسائلی که در جوامع امروزی مورد بحث قرار می‌گیرد این مطلب است که با توجه به تغییرات در جوامع امروزی آیا نظریات و تفکرات فقها در زمینه تفکیک قوا قابلیت اجرایی دارد یا خیر؟

حکومت اسلامی اهداف و وظایف متعددی را عهده دار است که در واقع فلسفه وجودی دولت اسلامی نیز از همین جا شکل می‌گیرد. آن وظایف و اهدافی که دولت اسلامی برعهده دارد، اختیارات خاصی را برای نظام اسلامی می‌طلبد تا در سایه آن اختیارات، آن وظایف انجام پذیرد. حال با توجه به مسئولیت‌ها و کار ویژه‌هایی که هر دولت و بخصوص دولت اسلامی دارد، نوعی تقسیم کار صورت می‌گیرد که مبنای آن تخصص، شایستگی‌ها و نوع مسئولیتی است که افراد به عهده می‌گیرند. بی شک این تقسیم کار و تقسیم قوا امری ضروری و اجتناب ناپذیر است، چون اگر بنا بود در دایره محدودی مثل یک روستا حکومت تشکیل شود، تقسیم کار چندان ضرورت نمی‌یافت. اما با توجه به این که طرح دولت اسلامی محدودیت منطقه‌ای و جمعیتی ندارد، در اکثر

^۱ بوشهری، جعفر، (۱۳۸۴)، مسائل حقوق اساسی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ص ۷۹.

^۲ ارسطو، سیاست، (۱۳۷۱)، ترجمه‌ی حمید عنایت، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ص ۱۷۵.

^۳ کدیور، محسن، (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران، ص ۹۱.

موارد، تقسیم قوا ضروری است. با توجه به این که تئوری و پیام اسلام برای پهنه زمین و گستره زمانهاست، طرحی که برای حکومت اسلامی پی ریزی می‌کند، جهانی و ابدی است و اختصاص به منطقه خاصی و عصر خاصی ندارد، و در این بین چارچوبی برای این طرح انتخاب شده که در شرایط گوناگون زمانی و مکانی قابل تطبیق و اجراست؛ و بی تردید تقسیم مسؤولیت‌ها و قوا در آن چارچوبه می‌گنجد.^۱

در زمان پیامبر، قانونگذاری و اجرا و قضا به عهده آن حضرت بود. در واقع، پیامبر در مقام آورنده دین، احکام الهی را به مردم می‌رساند و چون از جانب خدا سخن می‌گفت، شائبه خطا یا هر گونه دوری از حق در باره آن حضرت وجود نداشت. ایشان در مقام رهبر جامعه مؤمنان، قوه مجریه را نیز در اختیار داشت و وظیفه حل و فصل اختلافات (قوه قضائیه) نیز با او بود. اگر چه برخی نویسندگان در نبوی بودن کنش سیاسی پیامبر، به صورت مطلق، مناقشه کرده و آن را کنشی بشری با ویژگیهای آن دانسته اند، ولی عموماً نظر بر آن است که این سه وظیفه در شخص پیامبر، با عنایت به برخوردار وی از علم و عصمت الهی، جمع بوده است.^۲

با وفات پیامبر، امت اسلامی در مورد جانشینی وی دچار تفرقه شد. شیعیان، به استناد احادیث گوناگون، معتقد شدند که پیامبر جانشین خود را مشخص کرده است تا امت دچار فتنه و آشوب نشوند. آنگونه که ابن خلدون یادآور می‌شود امامت از دید شیعه، رکن دین است و «نصب» به تعبیر دقیقتر: شناساندن امام بر پیامبر واجب است، امامی که همچون خود پیامبر از گناه و اشتباه به دور است. خرد شیعی امامت را با پیامبری همسان می‌دانست و شاخصهای آن دو را، جز در موارد خاص مثل وحی، بر هم منطبق می‌یافت، شامل «نصب الهی»، «عصمت» و «رهبری امت» بدیهی است در این نظریه اساساً مسئله تفکیک قوا مطرح نبوده است؛ هر چند با وقوع غیبت امام دوازدهم تحقق تجربه همه جانبه نظام امامت شیعی منتفی شد.^۳

^۱ بهشتی، محمدحسین، (۱۳۷۸)، تهران: مبانی نظری قانون اساسی، ص ۱۵۱.

^۲ ملکی اصفانی، مجتبی، (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات اصول، نشر عالمه، جلد ۱، ص ۷۱.

^۳ فیرحی، داود (۱۳۷۸)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: دوره میانه، ص ۵۳.

اصطلاح و مفهوم تفکیک قوا در ادبیات سیاسی جدید اسلامی، در اواسط قرن سیزدهم/ نوزدهم رایج شد.

سه حادثه، بیش از هر عامل دیگر، در عطف توجه علما و متفکران جهان اسلام به این موضوع، سهم اساسی داشت: نخست حمله ناپلئون به مصر که علاوه بر فروپاشی نظام حاکم آثار فرهنگی و فکری بسیاری به جای گذاشت و موجب آشنایی مصریان با اندیشه های غربی شد، دوم اصلاحات محمدعلی پاشا در مصر و سوم تجربه تنظیمات در حکومت عثمانی.^۱

در این میان فقهای مختلف نظریات متفاوتی در مورد تفکیک قوا داده اند که بعضی از این نظریات با توجه به تغییرات در جوامع امروزی قابلیت اجرایی دارد و بعضی از این نظریات متناسب با زمان خود مطرح شده است. شیخ فضل الله نوری، از مخالفان مشروطه، بیشترین اعتراض را به تأسیس قوه مقننه داشت. از نظر او امور شرعی، یعنی فتا و صدور احکام قضایی و استنباط احکام کلیه و امور عامه بر عهده نایبان امام زمان، یعنی فقیهان، است و حال آن که از جمله مواد مشروطه تقسیم قوای مملکت به سه شعبه است. اوّلی قوه مقننه است و این بدعت و ضلالت محض است زیرا در اسلام برای احدی تقنین جایز نیست. ابوطالب بهبهانی نیز با تفکیک قائل شدن بین قوه مجریه و مقننه و ضرورت آن، معتقد است که هر قدر دول منظمه در افتراق این دو سعی کنند، در ترقی و رفعت و مکننت دولت و ملت از سایرین پیشترند. سید عبدالرسول مدنی کاشانی، از علمای مدافع مشروطیت، نیز در رساله انصافیة تفکیک قوا به سه قوه را از ارکان مشروطه می داند و در عین حال به برتری قوه مقننه بر مجریه اعتقاد دارد.^۲

در این پژوهش بر آن هستیم که به دنبال تحلیل مفهوم، ماهیت و هدف تفکیک قوای مصطلح در حقوق مدرن باشیم و این تحلیل را در پرتو فقه سیاسی شیعه مورد بحث

^۱ جونز ویلیام، تامس، ماکیاول، بدن، هابز، لاک، (۱۳۸۲)، خداوندان اندیشه‌ی سیاسی، جلد ۲، ترجمه‌ی علی رامین، تهران: امیرکبیر، ص ۷.

^۲ مصباح، محمدتقی، (۱۳۷۸)، نظریه سیاسی اسلام، قم، ص ۹۰.

قرار دهیم و بدنبال نقد این نظریه و تبیین نقاط مشترک و نقاط اختلافی آن در فقه شیعه باشیم.

بیان مسئله:

تفکیک قوا، نظریه‌ای است که در چند سده اخیر، به یکی از مشهورترین نظریات مطرح در حوزه اندیشه سیاسی تبدیل شده است، تا جایی که در کلام و قلم برخی نویسندگان و مترجمان، رنگی از تقدس به خود گرفته و معیاری برای ارزش‌گذاری نظام‌های سیاسی قلمداد گردیده است. این در حالی است که صرف نظر از چالش‌های کارکردی این نظریه و علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در تکمیل و ترویج آن، همچنان از تناقضات و نواقص تئوریک متعددی رنج می‌برد.

به باور مونتسکیو «تأمین آزادی، نیازمند آن است که سه قدرت بزرگ دولت، از هم جدا نگاه داشته شوند»^۱؛ بنابراین «... اگر قدرت حکومت را بین اجزای مختلف (قوای سه‌گانه) تقسیم کنیم، به طوری که هر یک، کار ویژه‌ای انجام دهند و در امور مربوط به قوای دیگر مداخله نکنند، فساد از نظر قدرت، حکومت را تهدید نمی‌کند»^۲

البته مونتسکیو، تفکیک قوا را صرفاً راهکاری برای مهار فساد قدرت و تأمین آزادی شهروندان می‌دانست، اما در عصر حاضر با اندکی تأمل در کلام و مکتوبات هواخواهان تفکیک قوا، می‌توان گفت اعتقاد به تفکیک قوا از یک باور متعارف، فراتر رفته و در کلام و اندیشه برخی نویسندگان، گویی رنگی از تقدس و یا حداقل مفهومی نزدیک به آن را به خود گرفته است. البته این اعتقاد، بیشتر از آنکه ناشی از کارکرد عملی تفکیک قوا در مهار فساد قدرت باشد، حاصل یک «فوییا» یا ترس تاریخی از شنانت و درنده‌خویی شهریاران پس از کسب قدرت، به نظر می‌رسد.

به هر حال، امروزه شاهد آن هستیم که شهرت این نظریه، چنان عالم‌گیر شده که عموماً ادعا می‌شود، تفکیک قوا یکی از اصول مسلم دانش حقوق و از بنیادهای اندیشه سیاسی

¹ Leyland, peter(1994), 'Textbook on Administrativ law', blackstone press limited, p34

² Thomas W. Merrill(1991), 'The Constitutional Principle of Separation of Powers', SUP. CT. REV, p245.

در عصر جدید می‌باشد. بنا بر دیدگاه هواخواهان این اندیشه، تنها ضمانت اساسی و بنیادین آزادی‌های عمومی، تفکیک قواست^۱ و هر حکومتی که به نحوی خود را با اقتضائات تفکیک قوا وفق نداده و در این جهت مشی ننموده باشد، صرف نظر از تحلیل کارکرد و مشی کارگزاران آن، متهم به استبداد و خودکامگی خواهد بود.

با این حال، به نظر می‌رسد اگرچه تفکیک قوا اندیشه‌ای تقدیس شده و به مثابه یک ارزش سیاسی - حقوقی در عصر حاضر معرفی گردیده است، ولی صرف نظر از ایرادات کارکردی آن، حتی در بعد نظری نیز با چالش‌های جدی مواجه می‌باشد. در واقع، می‌توان گفت سابقه چندصدساله در اعمال نظریه تفکیک قوا و کسب مجموعه‌ای از تجربیات تلخ یا بعضاً دور از انتظار، ذهن را با پرسش‌هایی در خصوص نواقص، کاستی‌ها و حتی تناقضات این نظریه روبه‌رو می‌نماید، اما آنچه در این بین حیرت‌آور به نظر می‌رسد، آن است که در حوزه ادبیات حقوقی و سیاسی به زبان فارسی، کمتر تحلیلی انتقادی را بر نظریه تفکیک قوا شاهد هستیم. این در حالی است که از یک‌سو، نظریه تفکیک قوا همچون بسیاری دیگر از نظریه‌های کلاسیک حوزه اندیشه سیاسی، توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران دنیا به نقد کشیده شده و از سوی دیگر، روحیه کنجکاوی و پرسشگری محققان داخلی، مبنای به چالش کشیدن عمیق‌ترین باورها و اندیشه‌های قدسی و زمینی قرار گرفته است. به همین دلیل، به نظر می‌رسد پرداختن به موضوع تفکیک قوا و فربه نمودن ادبیات انتقادی این حوزه، می‌تواند یک اولویت پژوهشی حائز اهمیت محسوب گردد. در این میان بررسی موضوع فقه سیاسی شیعه و تفکیک قوا و بررسی نظریه اندیشمندان در این حوزه می‌تواند کمک فزاینده‌ای به شناخت این موضوع داشته باشد.

^۱ امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۰)، جزوه حقوق اداری (۱)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۴۵

اهمیت و ضرورت تحقیق:

اهمیت کنترل قدرت بی حد و حصر حکومت از طریق به کارگیری اصل تفکیک قوا تا آنجا بود که در اعلامیه حقوق بشر و شهروندان مصوب سال ۱۷۸۹ تأکید شده «هر جامعه ای که در آن حقوق افراد تضمین نشود و تفکیک قوا در آن برقرار نشده باشد، دارای قانون اساسی نیست.» نتیجه این روند گنجاندن اصل تفکیک قوا در قوانین اساسی بسیاری از کشورها بود. از طرفی بررسی تفکیک قوا در فقه سیاسی شعه با توجه به اسلامی بودن کشرمان از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد و بررسی این موضوع کمک شایانی به نظریه پردازان حکومت و صاحبان قدرت برای تلفیق این دو مقوله مهم در اداره جامعه می کند.

اهداف تحقیق:

۱. تحلیل مفهوم، ماهیت و هدف تفکیک قوا در حقوق مدرن و تطبیق آن با فقه سیاسی شیعه
۲. نقد نظریات مربوط به تفکیک قوا و تبیین نقاط مشترک و نقاط اختلافی آن در فقه شیعه .
۳. تحلیل نظریات تفکیک قوا در فقه سیاسی شیعه در جوامع امروزی و قابلیت اجرایی آن.

سؤالات و فرضیات تحقیق:

سؤال اصلی:

۱. بازتعریف نظریه تفکیک قوا از لحاظ مفهوم، ماهیت و هدف، بر اساس مبانی نظری و عملی فقه سیاسی شیعه، چیست؟

سؤالات فرعی:

۲. تحلیل مفهوم، ماهیت و هدف تفکیک قوا در حقوق مدرن چگونه است؟

۳. با توجه به تغییرات در جوامع امروزی آیا می توان نظریات تفکیک قوا در فقه سیاسی شیعه را دارای قابلیت اجرایی دانست؟

فرضیه اصلی:

۱. ناکارآمدی تفکیک قوا در نفی استبداد و بسیاری از موارد رجوع این نظریات به فقه سیاسی شیعه را الزامی می کند.

فرضیات فرعی:

۲. به نظر می رسد تفکیک قوا نیز همچون بسیاری دیگر از نظریات برآمده از اقتضات سیاسی و اجتماعی عصر حاضر، با محدودیت ها و نارسایی هایی مواجه می باشد.

۳. با توجه به تغییرات در جوامع امروزی نظریات تفکیک قوا در فقه سیاسی شیعه با تغییراتی متناسب با نوع حکومت قابلیت اجرایی دارد.

پیشینه تحقیق:

لک زایی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان تفکیک قوای سه گانه در نظریات ولایت فقیه به بررسی این نظریه و وظایف دولت در این حوزه می پردازد و وظایف دولت در این باره را معرفی می کند.

آجرلو (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان نقد مبانی انسان شناختی اصل تفکیک قوا (با بررسی تطبیقی در انسان شناسی اسلامی) اینگونه بیان می کند: رویکرد اصلی این نوشتار نقد و بررسی مبانی فلسفی و انسان شناختی اصل تفکیک قوا در دوران معاصر بر اساس نگاه اسلام به انسان است و سپس از این رهگذر ارائه الگویی تحلیلی در نظرگاه اسلامی حکومت، نسبت به این اصل و کارکرد آن در حاکمیت اسلامی. این امر با عنایت به ترسیم پارادایمی جدید مبتنی بر بازتعریف نظریه تفکیک قوا و اصل و منشأ حاکمیت بر اساس مبانی انسان شناسی اسلامی شکل می گیرد.

کدخدایی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان تفکیک قوا؛ رؤیای تقدیس شده اینگونه بیان می کند: در نوشتار حاضر، نخست به نقد فهم نادرست تفکیک گرایان از قدرت و انسان

و پس از آن واکاوی خطای تاریخی مونتسکیو در مدل سازی این نظریه و در نهایت، ناکارآمدی تفکیک قوا در تأمین غایات مطلوب نظریه پردازان پرداخته شده.

اردکانی (۱۳۸۲) در پایان نامه خود با موضوع مردم سالاری در اندیشه سیاسی معاصر شیعه: بررسی آرا شیخ محمد مهدی شمس الدین و دکتر مهدی حائری یزدی اینگونه بیان می کند: در اندیشه سیاسی اندیشمندان معاصر شیعه سه جریان دیده می شود. جریان اول مربوط به اندیشمندانی است که به طور کلی در حوزه سیاست قائل به نظریه خاصی نیستند. جریان دوم شامل متفکران می شود که قائل به حق ویژه برای فقها در حوزه عمومی یعنی نظریه ولایت فقیه هستند. جریان سوم نیز مربوط به اندیشمندانی است که ضمن نفی حق ویژه برای فقها در حوزه عمومی، معتقدند با رعایت ضوابط کلی دین، تعیین تکلیف امور عمومی به خود مردم واگذار شده است.

حقیقت (۱۳۸۰) در پایان نامه خود با موضوع توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، مطالعه تحلیلی از دو نظر فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اینگونه بیان می کند: قدرت همانند ثروت، در هر نظام سیاسی تولید و توزیع میشود. توزیع قدرت در مقابل تمرکز قدرت قرار دارد، و (براساس این پژوهش) دارای هشت شاخص مدرن زیر است: قانون‌گرایی، اصل انتخاب حکمرانان، اصل رای‌گیری و حکومت اکثریت، تفکیک قوا، اصل آزادی و رضایت مردم، جامعه مدنی، محاسبه‌پذیری و بالاخره شمار و عدم وجود فره‌مندی هیات حاکمه. فلسفه سیاسی (غیرتحلیلی) و فقه سیاسی شیعه در مقابل شاخص‌های فوق میتوانند "ظرفیت سنجی" شوند، در واقع سوال اصلی این خواهد بود که چه نسبتی بین فلسفه سیاسی شیعه و نظریه ولایت مطلقه فقیهان (و دیگر نظریات مطرح در فقه سیاسی شیعه) در خصوص بحث توزیع قدرت و مهار آن وجود دارد؟ در پاسخ به سوال فوق، ابتدا رابطه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی را (به عنوان کبرای پژوهشی) باید به بحث گذاشت و وجوه تقدم و تاخر هر یک را مشخص نمود. در درجه بعدی میتوان پاسخ سوال اصلی را براساس گرایشهای موجود در فلسفه سیاسی شیعه و نظریات نه گانه حاکمیت در فقه سیاسی شیعه پاسخ گفت، و شاخص‌های هشت‌گانه و نظریات توزیع قدرت را ظرفیت سنجی نمود. هر چند نظریات فقه سیاسی شیعه (همانند